

## ششم جدی، مرحله خونین یک کودتای ننگین



سی و هفت سال (۳۷) از آن تجاوز ننگین میگذرد که اردوی سرخ روسی کشور آبائی ما را مورد تهاجم وحشیانه قرار داد و (۳۸) سال هم از آن کودتای خونبار و پلید هفتم ثور ۱۳۵۷ میگذرد.

سی و هشت سال است که افغانستان غرقه بخون لحظه هم روی صلح و آرامش را بخود ندیده است. روزی نیست که خون سرخ خواهر و برادر و پدر و مادری به خاک سیه نریزد. لحظه نیست که فریاد و فغان هموطنی به عرش معلی نرسد.

سی و هفت سال از آن ننگین روز ششم جدی ۱۳۵۸ میگذرد، روز شومی که تجاوزگران خونریز و ددمنش روسی سرزمین آزاده ما را مورد تهاجم بی شرمانه اردوی سرخ خویش قرار دادند و دمار از روزگار ملت و مردم و میهن ما بدر آوردند.

کودتاجیان بی آرم و ددمنش هفتم ثوری با تمام ظلم و جنایت و بربریت و غارت و ترور و با تمام ایجاد جو رعب و ترس و وحشت و با تمام خونریزی ها و بگیر و ببند ها و با تمام شکنجه ها و کشتار ها و اعدام های دسته جمعی و با تمام زنده به گور کردن ها و بند از بند جدا کردن ها و... نتوانستند در مقابل مقاومت جانبازانه مردم رشید و سرافراز افغان، بیشتر از یک سال و هشت ماه دوام بیاورند. کودتاجیان وحشی هفتم ثوری مرگ حتمی شانرا را در چند قدمی خود احساس میکردند و چنان وحشت و ترس آنانرا فرا گرفته بود که

به پاهای اربابان روسی خود افتادند، بر چکمه های خونین عساکر وحشی آنان بوسه زدند و از ارباب روسی خود تقاضا کردند تا کشور محبوب ما را مورد تجاوز قرار داده و آنان را از مرگ حتمی نجات دهند.

سردمداران روسی نیز که می دیدند نقشه های پلید دراز مدت شان در افغانستان و منطقه برهم خورده و با خاک برابر می شود، لحظه به خود زحمت ندادند تا یکبار تاریخ افغانستان را به دقت مطالعه کنند، آب را نادیده موزه از پا کشیدند و چنان ددمنشانه افغانستان را مورد تجاوز قرار دادند که روی چنگیز و هلاکو و هیتلر و موسولینی را در غارت گری و کشتار سپید ساختند.

امروز درست سی و هفت سال از آن سیه روز میگذرد و هنوز هم کشور نازنین ما خونچکان است و خون فرزنداناش همچنان می ریزد.

اینهمه خونریزی و کشتار و اینهمه وحشت و بیداد و اینهمه بربادی و خانه ویرانی و اینهمه در به دری و مهاجرت های داخلی و خارجی پیهم و بلاوقفه و...، حاصل همان کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷ و مرحله ننگین تر آن، تجاوز وحشیانه اردوی سرخ روسی بر سرزمین آزاده ما در ششم جدی ۱۳۵۸ (۲۷ دسامبر ۱۹۷۹) است که هنوز هم ادامه دارد.

ننگ و نفرین ابدی باد بر تمام اعضا، رهبران و رهروان بی مقدار حزب منفور و منحل "دیموکراتیک خلق"! اردوی که میگفتند شکست ناپذیر است و کودتای که میگفتند برگشت ناپذیر است، هر دو چنان در سرزمین آزاده ما در هم شکسته شدند که نظیر آن در تاریخ دیده نشده بود.

تجاوزگران روسی در افغانستان شکست خوردند، اتحاد اجباری جماهیر شوروی سوسیالیستی از هم پاشید و کودتای شوم ثور و مرحله ننگین تر آن، یعنی تجاوز ننگین ششم جدی ۱۳۵۸ هر دو به زباله دان تاریخ سپرده شدند، اما خون ملت افغان هنوز هم زمین و زمان را رنگین می سازد و وحشت و جنگ بیداد میکند.

درست از همان نخستین دقایق کودتای منحوس ثور تا همین لحظه که سی و هفت سال از آن سیه روز میگذرد، جنگ و تباهی و در به دری و خونریزی و وحشت و ترور و بربادی و سیه روزی دامان پاک افغانستان به خاک و خون خفته را رها نکرده است.

کودتاچیان بی همه چیز ثور و دنباله روان شرف باخته مرحله نوین آن تا توانستند خون ریختند، کشتار کردند، وحشت آفریدند و بی محابا جرم و جنایت مرتکب شدند و خیانت کردند و کشوری را به خاک و خون کشیدند، اما سرانجام به گورستان تاریخ سپرده شدند.

راه ظلم و خیانت و جنایت کوتاه است و اگر شبی ماند، شب دیگر نمی ماند، اما و مگر آن یک مشت وطن فروش و جاسوس خلقی و پرچمی که کشور زیبای ما را به یک ویرانه غم انگیز و خونبار مبدل ساختند و خونهای پاک بیش از یک و نیم میلیون از هموطنان بی گناه و بی دفاع ما را ریختند و در سرتا سر کشور جوی های خون جاری ساختند، به فکر کوتاه شان انفلاق ثور برگشت ناپذیر می نمود و کشور "شورا ها" صاحب بی چون و چرای جهان بود.

زهی خیال باطل! کشور شورا ها پارچه پارچه شد، اردوی سرخ درهم کوبیده شد و کودتای ثور و مرحله ننگین تر آن با عاملین بی آزرمان به زباله دان تاریخ سپرده شدند.

تره کی و بیرک و امین و نجیب و حزب و سازمان و کمیته شهری و کمیته ولایتی و شورای انقلابی و...، یکی پی دیگر به گودال تاریخ سپرده شدند، ملت شریف افغان و کشور پرغرور افغانستان اما هنوز زنده است و همچنان زنده می ماند، هرچند هردو هنوز غرقه در خون اند.

تجاوزگران شوروی و میراث خواران امروز روسی شان هرچند هنوز هم پیدا و پنهان دستان خونین شان در تراژیدی افغانستان دخیل است و هنوز هم از مجرای نوکران و غلامان کهنه و تازه شان تلاش دارند افغانستان و مردم صبور و مقاوم آن هرگز به صلح و آرامش نرسند؛ اما اینرا بدانند که "چاه کن آخر در چاه است".

از سیه روز ششم جدی ۱۳۵۸ مطابق به (۲۷ دسامبر ۱۹۷۹) درست سی و هفت سال میگذرد، و اما شرف باختگان خلقی و پرچمی هنوز هم شهامت آنها ندارند که حتی یک معذرت خشک و خالی هم از پیشگاه ملت غیور و صبور افغان بخواهند و نیز آن جرئت اخلاقی را فاقد اند که اعتراف کنند اشتباه کردند و آله دست تجاوزگران بی مقدار روسی قرار گرفتند.

پس به این نتیجه منطقی میتوان رسید که این میهن فروشان کودتاچی و جنایت گستر از مادر خطا زاده شده و تخم حرام اند و فاقد وجدان، شرف و شهامت ندارند و از انسانیت و آدمیت به فرسخ ها فاصله دارند.

همین نطفه حرام بود که کشوری را به خاک و خون کشیدند و زمینه تجاوز روس های مهاجم و خونریز را به کشور ما آماده ساخته و عذر و زاری داشتند که اردوی سرخ روسی در لباس عساکر اردوی افغانستان، کشور ما را مورد تجاوز قرار دهند.

و چنان بود که رویا های دیرینه پترکبیر به واقعیت پیوست و عساکر روسی کشور عزیز ما را در ششم جدی ۱۳۵۸ (۲۷ دسامبر ۱۹۷۹) مورد تجاوز فرار دادند، اما فرزندان اصیل و غیور افغان رویاهای طلائی تجاوزگران روسی را به یک کابوس وحشتناک برای شان مبدل ساختند و بعد از یک شکست شرم آور، راه فرار در پیش گرفتند و غلامان قلاده به گردن خلقی و پرچمی و خادی و ملیشه ئی شانرا مفت و مجانی در میدان رها کردند و رفتند.

از شواهد و قرائن اما چنان بر می آید که روس ها از جنگ افغان- روس درس عبرت نگرفته اند و پیدا و پنهان در مسائل داخلی افغانستان هنوز هم مداخله میکنند و گماشتگان خود را چپ و راست حمایت نموده و شدیداً در تلاش هستند تا نگذارند جنگ در افغانستان تمام شود.

### **ننگ باد بر تجاوزگران شوروی و میراث خواران روسی شان**

**روسیه و نابود بود دلقکان بی مقدر ای که سر بر آستان پوتین ها خم میکنند**